



10.30497/sj.2024.245372.1318

Bi-quarterly Scientific Journal of "Research Letter of Social Jurisprudence",
Vol. 12, No. 2 (Serial 24), Spring & Summer 2024

Research Paper

Jurisprudential Dimensions of Government Agents' Responsibility in Mass Vaccination

Mohamad Mahdi Moheb al-Rahman*
Sayed Amrollah Hoseini**

Received: 02/11/2023

Accepted: 10/03/2024

Abstract

A vaccine is a biological product that, by stimulating the body's immune system, identifies and destroys the infectious agent or related microorganisms in the future. Also, mass vaccination has been effective in controlling many widespread diseases, including smallpox, polio, measles and tetanus, and therefore it has been emphasized by medical knowledge.

This article, which talks about the consequences of vaccination, seeks to answer the question: "Who bears the civil and criminal responsibility for the possible and unknown side effects of the vaccines or the injection of a low-quality vaccine, as well as the lack of vaccination and the spread of the disease"?

The research, which was carried out with the descriptive and analytical data processing method, and by collecting information and data from library sources, has concluded: First, if there is negligence or even prudence on the part of government employees in providing the second-grade approved vaccines, the civil liability and compensation (*diah*) will go to them and in case of culpability, criminal liability will also be added. Secondly, in the case of the citizens' refusal to receive vaccines which may result in sickness, the responsibility of the government is excluded.

Keywords

Vaccination, Vaccine, Medical Jurisprudence, Civil Liability, Criminal Liability

* Assistant Professor, Department for Jurisprudential and Legal Issues, Research Center for Islamic Jurisprudence and Law, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran (corresponding author) m.moheb@isca.ac.ir

** Faculty member, Department of Islamic Jurisprudence and Law, Faculty of Sciences and Islamic Research, Imam Khomeini International University. s.a.hoseini@isr.ikiu.ac.ir



ابعاد فقهی-حقوقی «مسئولیت کارگزاران دولتی» در واکسیناسیون عمومی

محمد مهدی محب‌الرحمان*

سید ام‌الله حسینی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

واکسن فراورده‌ای بیولوژیکی است که با تحریک سیستم ایمنی بدن، عامل عفونی یا میکروارگانیسم‌های مرتبط با آن را در آینده شناسایی و نابود می‌کند. واکسیناسیون عمومی در کنترل بسیاری از بیماری‌های فراگیر از جمله آبله، فلج اطفال، سرخک و کزاز مؤثر بوده و از این رو مورد تأکید دانش پزشکی قرار گرفته است.

مقاله پیش رو که از پیامدهای تزریق واکسن سخن می‌گوید، در پی پاسخ به این پرسش است که «مسئولیت مدنی و کیفری در عوارض احتمالی و ناشناخته واکسن یا تزریق واکسن بی‌کیفیت و نیز عدم تزریق واکسن و سرایت بیماری، بر عهده چه کسی است؟».

یافته‌های پژوهش که با روش داده‌پردازی توصیفی-تحلیلی و با گردآوری اطلاعات و داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است، نشان می‌دهد در فرض قصور کارکنان دولتی یا مصلحت‌سنجی در ارائه واکسن تأییدشده درجه دو، مسئولیت مدنی، جبران خسارت و پرداخت دیه و ارش متوجه ایشان است و در فرض تقصیر نیز مسئولیت کیفری افزوده خواهد شد. همچنین، در فرض خودداری شهروند از تزریق واکسن و بیماری‌پذیری، مسئولیت دولت منتفی است.

واژگان کلیدی

واکسیناسیون، واکسن، فقه پزشکی، مسئولیت مدنی، مسئولیت کیفری.

* استادیار گروه مسائل فقهی و حقوقی، پژوهشگاه فقه و حقوق، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران
m.moheb@isca.ac.ir (نویسنده مسئول).

* استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام‌خمينی
s.a.hoseini@isr.ikiu.ac.ir (رحمت‌الله علیه)، قزوین، ایران.

مقدمه

واکسن فراورده‌ای زیستی است که طی آن، آنتی‌بادی یا آنتی‌ژن به عضله یا رگ تزریق می‌شود یا به‌صورت قطره خوراکی درمی‌آید و در برابر بیماری میکروبی مشخص، ایمنی فعال اکتسابی تولید می‌کند.

با اجرای برنامه واکسیناسیون همگانی در جهان، شیوع بسیاری از بیماری‌های خطرناک مانند دیفتی، کزاز، سیاه‌سرفه، سرخک و فلج کودکان کنترل شده و به حداقل میزان خود رسیده و در برخی موارد مانند آبله به‌کلی ریشه‌کن شده است درحالی‌که طاعون به‌عنوان مرگ سیاه یا مرگ‌بارترین بیماری همه‌گیر در قرن ۱۴، حدود ۷۵ تا ۲۰۰ میلیون نفر را به کام مرگ کشاند.

با شیوع بیماری همه‌گیر کووید ۱۹ نیز واکسن‌های مختلفی برای کنترل این بیماری ساخته شد و دولت‌ها در راستای تضمین سلامتی و ایمنی‌بخشی شهروندان، به واکسیناسیون روی آوردند و حتی دستورالعمل‌هایی مبنی بر تزریق واکسن ارائه کردند. این در حالی بود که تعداد کسانی که در مقابل واکسیناسیون مقاومت و از آن خودداری کردند، کم نبود.

با وجود توصیه دولت به واکسیناسیون، اگر فردی به دلایلی مانند عوارض ناشناخته واکسن یا تزریق واکسن بی‌کیفیت و... دچار خسارت و آسیب شود، مسئولیت مدنی و کیفری کارگزاران دولتی در چهار فرض قابل تصور است.

۱. خطا، اشتباه و قصور کارکنان دولتی، ۲. تعمد و تقصیر کارکنان دولتی که واکسن‌های بی‌کیفیت و آسیب‌زا را در اختیار شهروندان قرار داده‌اند، ۳. مصلحت‌سنجی کارکنان دولتی برای تأمین واکسن‌های تأییدشده درجه دو و... و ۴. آسیب دیگر شهروندان به‌خاطر خودداری شخص از تزریق واکسن.

البته «اضرار عامدانه» یا حتی خطای پزشکی و پرستار به علت «عدم رعایت پروتکل‌ها و شیوه‌های بهداشتی تزریق واکسن»، خارج از موضوع پژوهش است و به تحقیق‌های گسترده و مرتبط به «ضمان در عمد و خطای پزشکی» ارجاع داده می‌شود (معینی و گلزار، ۱۳۹۹، صص. ۱۳-۱).

۱. پیشینه پژوهش

در موضوع مورد بحث پژوهش‌هایی صورت گرفته که مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر است.

۱. مقاله «مسئولیت مدنی دولت در قبال بیماری‌های واگیر (بررسی موردی: کووید ۱۹)» نوشته السان (۱۳۹۹) در نشریه تحقیقات حقوقی.
 ۲. مقاله «واکاوی فقهی-حقوقی حق بر سلامت و مسئولیت دولت در شرایط شیوع بیماری کرونا» نوشته جوان آراسته و رحمانی (۱۳۹۹) در مجله علمی-پژوهشی فقه پزشکی.
 ۳. مقاله «تبیین فقهی مسئولیت دولت در رویارویی با بیماری کرونا» نوشته غریب‌پور (۱۳۹۹) در مجله علمی-پژوهشی فقه پزشکی.
 ۴. مقاله «مناسبات دولت اسلامی و خانواده در کنترل بیماری کرونا» نوشته موسوی و حبیبی‌تبار (۱۳۹۹) در مجله علمی-پژوهشی فقه پزشکی.
 ۵. مقاله «مسئولیت دولت در جبران خسارت قربانیان کرونا» نوشته مهرا (۱۳۹۹) در نشریه تحقیقات حقوقی.
 ۶. مقاله «بررسی حقوقی نحوه عملکرد و مسئولیت دولت در جبران خسارات ناشی از بحران کووید ۱۹» نوشته مظفری و میرزایی مقدم در نشریه تحقیقات حقوقی.
 ۷. مقاله «تأثیر علم و قصد بر مسئولیت مدنی ناقل بیماری‌های واگیردار» نوشته هوشمند (۱۳۹۹) در مجله علمی-پژوهشی فقه پزشکی.
- در پژوهش‌های یادشده از مسئولیت دولت در نتیجه واکسیناسیون صحبتی به میان نیامده است، بلکه برعکس درباره مسئولیت دولت و فرد در صورت خودداری از واکسیناسیون بحث کرده‌اند آن هم بدون کاوش فقهی. همچنین، برخلاف پژوهش‌های مشابه، این پژوهش محدود به بیماری‌های واگیردار نیست.

۲. مسئولیت کارگزاران در وضعیت قصور

این فرض تحت عناوینی از جمله «خطای حاکم» (حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص. ۴۷۹، حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص. ۱۵۸) یا «اشتباه حاکم» (کاشف‌الغطا، ۱۳۸۱، ج ۱، ص. ۶۰۶)، در

کلمات فقها طرح و بحث شده است و شاید بتوان آن را بحثی پرسابقه به شمار آورد که در ادامه، با تفکیک میان مسئولیت مدنی و کیفری، ابتدا مسئولیت مدنی کارگزاران دولتی و پس از آن، مسئولیت کیفری آنان در وضعیت‌های قصور، اشتباه و خطا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی دولت - که ناظر به پرداخت خسارت و جبران آن برای شهروند آسیب‌دیده است - در خصوص آسیب‌های ناشی از خطای کارگزاران و کارکنان دولتی در برنامه واکسیناسیون الزامی، توسط عمواماتی ازجمله قاعده لاضرر و نیز روایات خاصی مانند موثقه اصبع‌بن‌نباته قابل توضیح به نظر می‌رسد که بر جبران چنین خسارتی از بیت‌المال تصریح دارد.

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) أَنَّ مَا أَخْطَأَتْ بِهِ الْقَضَاةُ فِي دَمٍ أَوْ قَطْعٍ فَعَلَى بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص. ۱۴۷).

در این روایت به نقل از امیر مؤمنان (عليه السلام) می‌فرماید آنچه را که داوران در قصاص (ریختن خون) یا قطع (مثل بریدن دست سارق) اشتباه کنند، جریمه‌اش با بیت‌المال است. از نظر سند، این روایت به دو سند متفاوت - البته با کمی تفاوت در متن - مورد توجه و اعتماد مشایخ ثلاث در کافی شریف (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص. ۳۵۴)، تهذیب (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص. ۲۰۳) و من لایحضره الفقیه (ابن بابویه، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص. ۷) قرار گرفته است. درباره رجال آن در نقل ثقة الاسلام کلینی با توجه به تمام رجال یادشده: علی بن ابراهیم (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص. ۲۶۰)، پدر او یعنی ابراهیم بن هاشم (حلی، ۱۳۸۱، ص. ۵)، حسن بن علی بن فضال که گویا مدتی فطحی بوده است (کشی، ۱۴۰۹ق، ص. ۵۶۵)، یونس بن یعقوب بجلی (طوسی، ۱۴۲۷ق، ص. ۳۴۵) و در نهایت، عبدالغفار بن قاسم ابو مریم (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص. ۲۴۷)، روایت موثقه و قابل اعتماد است؛ همچنان‌که فقهای بسیاری نیز در میان استدلال‌های خود بر آن تکیه کرده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۶، ص. ۲۷۶؛ نراقی، ۱۴۱۷ق، ص. ۵۵۴؛ خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص. ۲۵۱). از نظر دلالت نیز این روایت موضوع خطای قاضی در حکم

به قصاص نفس یا عضو و در نتیجه، اجرای قتل یا جرح محکوم علیه را مورد توجه قرار داده است و حکم آن را «جبران خسارت از حساب بیت‌المال» بیان می‌کند.

در واقع، طبق این حکم منقول از حضرت امیر، اولاً، قاضی عادل که تمام تلاش و جدیت خود را داشته، اما از روی خطا و اشتباه، حکم به قصاص کرده است، باید از پرداخت دیه معاف شود و ثانیاً، لازم است جان آسیب‌دیده با توجه به بی‌گناهی او و الزامی که از سوی قاضی داشت، مورد احترام شمرده و به تبع، خسارت وی از بیت‌المال پرداخت شود؛ البته روایت اصبع‌بن‌نباته، باب قضا و عمل قاضی را در موضوع خود جای داده، اما با توجه به روش برخورد دانشمندان فقه با چنین روایاتی و تطبیق آن بر حاکم، به نظر می‌رسد برداشت حکم «اشتباه حاکم و کارگزاران او» نیز - دست‌کم بر اساس این مبنا - دشوار نخواهد بود؛ همچنان که فقهای بزرگی بر اساس همین روایات، در مصادیق مشابه یا به‌طور مطلق در عنوان «خطای حاکم»، پرداخت خسارت را از سوی بیت‌المال توضیح داده‌اند (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۷، ص ۶۰؛ طبرسی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۵۶۰؛ حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۵۸؛ حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۳۴۷؛ شهید اول، ۱۴۱۰ق، ص ۲۶۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۴، ص ۴۷۴؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۵۰۷؛ فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۰۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۶، ص ۲۷۶؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۲۴۱)؛ ضمن اینکه طبق تناسب موضوع و حکم، مراد از قاضی، شخص قاضی‌القضات یا شخص حاکم نیست، بلکه افزون‌بر او، قضات، کارگزاران، مأموران و مبلّغان او را نیز شامل خواهد بود. افزون‌براین، همچنان‌که فقها نیز یادآور شده‌اند (تبریزی، بی‌تا، ص ۶۱۰)، انحصار حکم پرداخت خسارت از بیت‌المال تنها در «قتل و جرح خطایی» بسیار بعید به نظر می‌رسد؛ به‌طوری‌که اگر نتیجه اشتباه قاضی، خسارت مالی بر محکوم علیه باشد، وی دیگر محترم نیست و نباید به جبران آن اقدام کرد؛ زیرا مفاد روایاتی مانند موثقه اصبع‌بن‌نباته نه تنها بیان‌کننده حکمی تبعی، بلکه حکمی مطابق قواعدی از جمله لاضرر، تسبیب و... به نظر می‌رسد که به جبران جنایت و خسارتی دستور می‌دهد که از سوی دولت و «منتسب به دولت» واقع شده است؛ همچنان‌که لزوم جبران خسارت بر مدار حکم عقل بر حسن عدل و قبح ظلم نیز قابل محاسبه است؛ زیرا سرپوش گذاشتن و پرداخت نکردن خسارت مالی و آسیبی که

از اشتباه حاکم عادل و کارگزاران او نشئت گرفته است، عدم احترام مال شهروند و هدر بودن آن و به تبع، ظلم را نشان می‌دهد؛ ضمن اینکه برای جرح و قتل خطایی خصوصیت ویژه‌ای ملاحظه نمی‌شود تا نسبت به ضررهای مالی حکم متفاوتی در نظر گرفته شود؛ همچنان‌که در سرتاسر فقه، خسارت‌های مالی نیز مانند خسارت‌های جانی و جرحی باید جبران شوند و در هیچ بابی، عفو و بخشش بدون جبران ضرر در مقابل زیان مالی دیده نمی‌شود.

از این رو هیچ بعید نیست که گفته شود این روایت تنها به نمونه بارزی از خطای حاکم اشاره کرده است و حکم خسارت‌های مشابه از جمله خسارت مالی را نیز می‌توان از آن استفاده کرد. در تطبیق این روایت بر خسارت ناشی از تزریق واکسن نیز می‌توان گفت از سویی این خسارت و آسیب به سبب واکسیناسیون از سوی کارگزاران دولتی رخ داده است؛ به طوری‌که اگر توصیه تزریق واکسن صورت نمی‌گرفت، شهروند نیز از آن خودداری می‌کرد و دچار آسیب و خسارت نمی‌شد. از سوی دیگر، کارگزاران و عوامل دولتی که با بهره‌گیری از تمام تلاش و اخذ مشورت و نظرهای کارشناسی به تکلیف شرعی و قانونی خود در اجرای برنامه واکسیناسیون عمل کرده، اما به خاطر شرایط خاصی شهروندانی مورد آسیب و زیان قرار گرفته‌اند، دچار اشتباه و خطا شده است و با توجه به موثقه پیش‌گفته، بیت‌المال مسئول جبران خسارت آن خواهد بود. بنابراین، با توجه به آنچه گفته شد، خسارت ناشی از اجرای واکسیناسیون به شهروندان را باید از طریق محاسبه از بیت‌المال جبران کرد، تا اولاً شخص کارکنان دولت تبرئه شوند و ثانیاً، حرمت جان شهروندان حفظ شود. مطابق تصریح ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، نتیجه‌گیری فقهی پیش‌گفته مبنی بر جبران خسارت از بیت‌المال تأیید شده و لازم است در قبال لطمه به جان و سلامتی افراد، جبران خسارت صورت پذیرد: «هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتی یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد شده [است]، لطمه‌ای وارد کند که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود است». این در حالی است که ظاهر ماده مربوط به آسیب از سوی شخصیت‌های حقیقی است که قابلیت انصراف از نهاد حاکمیت را دارد؛ به خصوص ماده ۱۱ همین قانون که به ایراد لطمه از سوی حاکمیت می‌پردازد، پرداخت

خسارت را با وجود دو شرط منتفی بیان می‌کند. اولاً اینکه، اقدام دولت برحسب ضرورت صورت گرفته باشد و ثانیاً، لازم است این برنامه برای تأمین منافع اجتماعی رخ داده باشد: «... در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارات نخواهد بود». از این رو به نظر می‌رسد بتوان طبق این مواد، نهاد حاکمیت را که به علت شرایط خاص و ضروری و در راستای مصلحت اجتماعی از واکسیناسیون عمومی سر باز زده بود، از پرداخت خسارت به آسیب‌دیدگان تبرئه کرد (مظفری و میرزایی مقدم، ۱۳۹۹، ص. ۳۸۵)، اما عدم جبران خسارت ناشی از خطای کارگزاران دولتی که از ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی نتیجه گرفته شد، افزون‌بر مخالفت با مبانی فقهی امامیه - با کمک ادله‌ای از جمله قاعده لاضرر و روایاتی مانند موثقه اصبع بن نباته که تفصیل آن گذشت - در مقایسه با بنیان‌های دیگر حقوقی که دولت را مکلف به پرداخت خسارت دانسته‌اند، نقدهایی را نشان می‌دهد. برای مثال، بر اساس نظریه «قراردادهای اجتماعی» که روسو معرفی کرده است، در مقابل آزادی که مردم به دولت واگذار می‌کنند، دولت هم به عنوان طرف تعهد در هنگامی که در اثر یک پدیده اجتماعی آسیبی به افراد وارد شود، ملزم به جبران خسارات وارده شناخته می‌شود. همچنین، مطابق دیدگاه «هم‌بستگی اجتماعی» که تکلیف دولت را بر پایه اخلاقی توجیه می‌کند، مردمی که در جامعه زندگی می‌کنند، به یکدیگر وابسته هستند و به تبع، کمک به شخص آسیب‌دیده توسط جامعه، با مبانی انصاف و عدالت سازگارتر به نظر می‌رسد (مهر، ۱۳۹۹، ص. ۱۴۳). بنابراین، با توجه به ادله‌ای که گذشت، در جنبه حقوقی مسئله نیز باید مطابق مبانی فقهی امامیه، ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی را که پیش از انقلاب اسلامی تصویب شده، مورد نسخ تلقی کرد و دولت را مسئول جبران خسارت به افراد آسیب‌دیده به شمار آورد.

۲-۲. مسئولیت کیفری

در بررسی مسئولیت کیفری که از وقوع جرم و مجازات مجرم سخن می‌گوید، در خصوص خطای کارگزاران و کارکنان دولتی که بذل وسع کرده‌اند و بدون اهمال آنان، آسیب شهروندان رقم خورده است، به نظر می‌رسد بتوان از ادله‌ای از جمله موثقه

اصبغ بن نباته بهره گرفت. این روایت که بحث رجالی، سندی و دلالی آن در صفحات پیش گذشت، با توجه به عبارت «أَنَّ مَا أَخْطَأْتُ بِهِ الْقُضَاةُ فِي دَمٍ أَوْ قَطْعٍ، فَعَلَى بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ» که طبق توضیحات پیش گفته، مسئولیت کارگزاران دولتی را در حکم خطایی، جبران مالی از بیت المال دانسته است، به نظر می رسد دیگر جایی برای مسئولیت کیفری شخص کارگزاران دولتی باقی نمی ماند؛ زیرا اولاً، کارگزاران دولتی طبق وظیفه شرعی و قانونی خود، تزریق واکسن را اجرا کرده و از این رو جرم عمدی و غیر عمدی مرتکب نشده اند؛ زیرا طبق ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی، «در تحقق جرائم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز شود» و طبق ماده ۱۴۵ همین قانون، «تحقق جرائم غیر عمدی منوط به احراز تقصیر مرتکب است...» که در قسمت بعد مورد بررسی قرار خواهد گرفت. افزون بر این، حتی حکم تکلیفی حرمت نیز برای عملکرد او متصور نیست و نمی توان گفت وی کار حرام یا ممنوعی انجام داده است. ثانیاً، روایات از جمله موثقه اصبغ بن نباته که در مقام بیان تشریح چگونگی جبران خسارت شخص آسیب دیده هستند، تنها به پرداخت خسارت مالی از بیت المال تصریح کرده اند و از بیان مسئولیت کیفری و مجازات، خالی هستند.

البته ممکن است گفته شود اثبات شیء نفی ماعدا نمی کند. از این رو دستور جبران از بیت المال نافی مجازات و کیفر حاکم نیست و این حکم (وجوب پرداخت از بیت المال) انحصار و مفهوم ندارد. در پاسخ می توان گفت آنچه در اضرار و آسیب به غیر تصور می شود، تنها یکی از چهار گزینه قصاص در جرم عمدی، پرداخت دیه در جرم عمدی و خطایی از سوی شخص، عاقله یا بیت المال است و با انجام دادن یکی، جایی برای دیگری باقی نمی ماند. برای مثال، در صورت تحقق جنایت عمدی که امکان قصاص وجود دارد، جایی برای پرداخت دیه نیست و در صورت تحقق جنایت خطایی، جایی برای قصاص نفس و عضو باقی نخواهد ماند؛ همچنان که در جنایت خطای محض نیز با پرداخت دیه از سوی عاقله، دیگر کیفر و مجازات شخص جانی را تهدید نمی کند.

از این رو با تصریح روایت به پرداخت خسارت از بیت المال باید گفت صرف تصریح به یکی از موارد، نشان می دهد جایی برای موارد دیگر از قصاص یا پرداخت دیه از هزینه شخصی حاکم یا عاقله او نیست و پیامدهای کیفری و جزایی دامن حاکم اسلامی و

عوامل او را نخواهد گرفت؛ البته در کنار جبران خسارت به میزان دیه و ارش، می‌توان جریمه یا تعزیر را نیز در نظر گرفت که به‌عنوان مسئولیت کیفری، غیر از جبران خسارت به شمار خواهد آمد.

۳. مسئولیت کارگزاران دولتی در وضعیت تقصیر

تقصیر عوامل و کارگزاران دولتی در خصوص «اجرا یا عدم اجرای واکسیناسیون و آسیب زدن از طریق آن»، این‌گونه تصویر می‌شود که برخی کارکنان دولتی به دلایلی از جمله منفعت‌طلبی، سودجویی یا اهمال، بی‌توجهی و تقصیر، برنامه‌هایی مانند تأمین واکسن‌های بی‌کیفیت یا آلوده را ترتیب دهند که آسیب و زیان شهروندان را در پی داشته باشد؛ همچنان که ممکن است به همین دلایل، از تزریق واکسن مفید خودداری ورزند.

۳-۱. مسئولیت مدنی

در خصوص مسئولیت مدنی کارگزاران و کارکنان دولتی در آسیب و اضرار به شهروندان در وضعیت تقصیر، می‌توان از ادله مختلفی مانند «قاعده لاضرر»، «قاعده تسبیب»، «قاعده غرور» و... بر اثبات مسئولیت مدنی بهره گرفت و جبران خسارت را از سوی شخص آسیب‌رسان توضیح داد که در ادامه، تنها به قاعده لاضرر به‌عنوان مستند فقهی و ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی به‌عنوان مستند حقوقی اشاره خواهد شد.

طبق نظر مشهور فقها، مفاد قاعده لاضرر بر اساس صحیح زرار، «لاضرر و لااضرار» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۵، ص. ۴۲۸)، حکم عقل و بنای عقلا نفی حکم ضرری و حاکم بر ادله احکام اولیه است (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص. ۲۲۰) و از جهت حکم وضعی نیز، همچنان که محقق داماد آورده است، بر طبق بنای عقلا در مستند این قاعده، «ضمان» و «مسئولیت مدنی» را بر شخص آسیب‌رسان مترتب کرده، و شخص او را ملزم به جبران خسارتی که وارد داشته، بیان می‌کند (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۳۱). در تطبیق بر موضوع بحث باید گفت کارمندان و کارگزارانی که در اجرای برنامه واکسیناسیون با تأمین واکسن‌های بی‌کیفیت و... از روی تقصیر مرتکب اضرار و آسیب‌رسانی به اشخاص شده‌اند یا حتی با اهمال و عدم دقت کافی در این برنامه، آسیب

و ضرر را متوجه شهروندان کرده‌اند، بر اساس مبانی فقهی، خود مسئول جبران خسارت افزون‌بر قصاص و دیه - که در مسئولیت کیفری محور سخن است - هستند و باید از عهده آن برآیند. ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی در این زمینه مقرر می‌دارد «کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی، خساراتی به اشخاص وارد کنند، شخصاً مسئول جبران خسارت وارده هستند». این ماده به‌روشنی بر ضمان این کارمندان تصریح کرده و مسئولیت مدنی را متوجه شخص آنان و نه نهاد حاکمیت اعلام داشته است؛ البته در خصوص پزشکان و پرستاران ناآگاهی که متکفل تزریق واکسن آلوده شده‌اند، مباشرت در تزریق واکسن در موردشان تصویر می‌شود، اما با توجه به انتساب آسیب و ضرر به دولت و کارگزاران او که توصیه به تزریق واکسن داده یا اسباب تزریق واکسن بی‌کیفیت را رقم زده‌اند، اقوایت سبب محرز است؛ زیرا پزشکی که مباشرت را بر عهده دارد مانند کارگر شهرداری، بدون اراده مستقل، اقدام به اجرای دستور تخریب کرده است که به تصریح فقها و حقوق‌دانان، ضمان مالی، جزایی و کیفری را نیز بر دوش نخواهد کشید (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص. ۱۵۴؛ محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص. ۱۲۲).

۲-۳. مسئولیت کیفری

در خصوص مسئولیت کیفری کارگزاران و عواملی که به دنبال منفعت‌طلبی و سودجویی یا حتی با تقصیر، کوتاهی و اهمال، برنامه واکسیناسیون را اجرا کرده و از طریق تأمین واکسن بی‌کیفیت یا آلوده و...، اسباب اضرار به شهروندان را فراهم آورده‌اند، روایاتی مانند موثقه اصبع‌بن‌نباته که حکم خطای حاکم و کارگزار او را نشان می‌دهد، خروج موضوعی دارد و نمی‌تواند حکم آن مبنی بر پرداخت خسارت از بیت‌المال را شامل شود. در این میان ادله و قواعد فقهی و حقوقی دیگری مانند «قاعده تسبیب» و نیز ماده ۴۵ قانون مجازات اسلامی به‌خوبی می‌تواند مسئولیت کیفری این عوامل و کارگزاران دولتی را نشان دهد که سبب بروز ضرر و آسیب به شهروندان بوده‌اند. اثبات ضمان به تسبیب مورد اتفاق و بلکه اجماع فقهاست (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۷، ص. ۴۶) که مستند به ادله روایی متعددی است از جمله موثقه سکونی به این شرح: «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

(علیه‌السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) مَنْ أَخْرَجَ مِزَاباً أَوْ كَنْيفاً، أَوْ أَوْتَدَ وَتَدّاً أَوْ أَوْتَقَ دَابَّةً، أَوْ حَفَرَ شَيْئاً فِي طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ، فَأَصَابَ شَيْئاً فَعَطِبَ فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص. ۲۴۵). این روایت به نقل از رسول خدا می‌فرماید هر کس در راه عبور مردم مسلمان ناودانی بنهد یا کنیف یا مستراحی احداث کند یا میخی بکوبد یا حیوانی را ببندد یا چاهی را حفر کند و مسلمانی با یکی از این چیزها برخورد کند و تلف شود، وی ضامن است. این روایت مورد اعتماد مشایخ ثلاثه قرار گرفته است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص. ۳۵۰؛ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱۰، ص ۲۳۰؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص. ۱۵۴). رجال سند نیز همگی موثق و قابل اعتماد هستند (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص. ۲۶۰). از لحاظ دلالت نیز روایت با ذکر مصادیق شایعی از رفتارهای انسانی در آن دوران مانند قرار دادن ناودان، کوبیدن میخ و حفر چاه در مسیر، به ضمان ناشی از خسارت‌آوری آن تصریح کرده است؛ ضمن اینکه این موارد خصوصیت ندارد و نمی‌توان ضمان را تنها در این موضوعات تصویر کرد. از این رو این روایت و نیز روایات مشابه، موضوع قاعده تسبیب را ترتیب می‌دهند که فعل یا ترک فعل شخص، مستقیماً و مبادرتاً موجب اتلاف نیست و رابطه علی و معلولی میان آن دو وجود ندارد، بلکه رابطه بین رفتار شخص و تلف به شکلی است که اگر آن رفتار واقع نشود، تلف نیز اتفاق نمی‌افتد (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص. ۱۱۷). در واقع، در این مثال‌ها، حفر چاه لزوماً آسیب را در پی ندارد، اما اگر شخص در مسیر عمومی حفر چاه را نمی‌کرد، آسیب نیز رخ نمی‌داد و به تبع، ضمانی هم محقق نمی‌شد، اما نکته مهم در روایت، عدم دخالت قصد و عمد برای رخداد آسیب در این برنامه‌هاست؛ به طوری که قصد شخص در حفر چاه، بهره‌گیری شخصی بوده و هیچ قصدی بر وارد کردن آسیب به دیگران نداشته است. از این روست که در قاعده تسبیب، صرف انتساب آسیب و تلف به شخص در ضمان او کافی شمرده می‌شود (بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص. ۱۵). فقها نیز با هماهنگ‌سازی میان قاعده تسبیب و تحقق مسئولیت کیفری، بر مجازات قصاص یا پرداخت دیه توسط سبب اقوا از مباشر تصریح کرده‌اند (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱ق، ص. ۴۸). برای مثال، گفته‌اند اگر کسی غذای مسمومی را که غالباً کشنده، به دیگری بدهد یا بدین وسیله قصد کشتن او را داشته باشد، قتل عمد و قصاص محقق می‌شود (خیمینی،

بی‌تا، ج ۲، ص. ۵۱۱؛ همچنان‌که اگر جانی طعام را با سم مخلوط بکند و توسط شخص دیگری به مجنی‌علیه برساند، باز هم شخص جانی که جنایت منتسب به رفتار اوست، دارای مسئولیت کیفری دانسته می‌شود و نه شخص تقدیم‌کننده که نسبت به مسمومیت طعام بی‌اطلاع بوده است. از این‌رو در تطبیق قاعده تسبیب بر اهمال کارگزاران دولتی و تقصیر آن‌ها در تأمین واکسن‌های مضر و... می‌توان گفت از سویی کم‌کاری و تقصیر مسئولان و کارگزاران سبب آسیب و ضرر به شهروندان شمرده می‌شود؛ به‌طوری‌که اگر رفتار آنان نبود، چنین آسیبی متوقع‌الحصول نبوده است. از سوی دیگر نیز هرچند تزریق واکسن با مباشرت پزشکان صورت گرفته است، اما آسیب‌دیدگی شهروندان منتسب به سیاست‌ها، برنامه‌ها و تأمین واکسن آلوده و... توسط این مدیران شمرده می‌شود که با تقصیر و اهمال، چنین ضررهایی را ترتیب داده‌اند. بنابراین، شخص کارگزاران دولتی که تقصیر، کم‌کاری و اهمال آنان در اجرای برنامه واکسیناسیون محرز شده است و آسیب شهروندان به رفتار یا عدم رفتار آنان منتسب دانسته می‌شود، طبق قاعده تسبیب ضامن این جنایت شمرده می‌شوند و با توجه به شرط تحقق عمد یا شبه‌عمد، مسئولیت کیفری از قصاص یا پرداخت دیه را به دوش خواهند کشید. از نظر حقوقی، تحقق جرم عمدی همراه با قصد اضرار برای این دسته از کارکنان دولتی بعید به نظر می‌رسد، اما مطابق تبصره ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی، تنها با احراز «تقصیر» آن‌ها، باز هم «جرم غیرعمدی» محقق می‌شود و تحت مسئولیت کیفری از قصاص تا دیه قرار می‌گیرند؛ ضمن اینکه عنصر اصلی در قاعده تسبیب «استناد» است (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص. ۲۲۲) و با توجه به استناد آسیب و تلف به این کارمندان دولت، مسئولیت کیفری آنان معلوم می‌شود، اما در مورد پزشکان، پرستاران و... که مباشرت به واکسیناسیون کرده‌اند، همچنان‌که در مسئولیت مدنی گفته شد، با توجه به انتساب ضرر به نهاد حاکمیت که توصیه به تزریق واکسن کرده، اقواییت سبب محرز است؛ زیرا چنین حکمی مطابق برخی قواعد از جمله قاعده تسبیب نیز به نظر می‌رسد؛ زیرا تحقق جنایت و خسارت به سبب کارگرانی بوده که خسارتی «منتسب به او» واقع شده است؛ زیرا پزشک مباشر مانند سرباز و... بدون اراده مستقل اقدام به اجرای دستور مافوق خود کرده است و به تصریح فقها و حقوق‌دانان، ضمان مالی، جزایی و کیفری نیز بر عهده او نخواهد بود (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱،

ص. ۱۲۳؛ البته در خصوص «عدم رعایت شیوه‌های صحیح و پروتکل‌های بهداشتی در تزریق واکسن» و آسیب‌دیدگی شخص، مسئولیت کیفری برای پزشک یا عوامل متکفل تزریق واکسن، به تفصیلی که در تحقیق‌های مربوط در عمد و خطای پزشکی بیان شده است، تصویر خواهد شد (معینی و گلزار، ۱۳۹۹، صص. ۱۳-۱).

۴. مسئولیت کارگزاران دولتی در وضعیت مصلحت

یکی دیگر از پیامدهایی که برای واکسیناسیون تصویر می‌شود، وضعیتی است که کارگزاران دولتی برای حفظ مصلحت، از انتخاب بهترین شیوه اجرا، بهترین واکسن و... خودداری و واکسیناسیونی را اجرا می‌کنند که هرچند مورد تأیید کارشناسان سلامت و بهداشت قرار گرفته است، اما در مرتبه پایین‌تری از کیفیت جای می‌گیرد و آسیب‌هایی را به برخی شهروندان وارد می‌سازد. در واقع، کارگزاران دولتی برای حفظ مصلحت کشور - بر فرض درستی چنین مصلحت‌اندیشی و ترجیح - نوع خاصی از واکسن یا روش خاصی را در اجرای واکسیناسیون - مانند دسته‌بندی شهروندان بر اساس مشاغل مدیریتی، نظامی، سن و... - انتخاب می‌کنند؛ هرچند از این رهگذر، جان تعدادی از مسلمانان نیز از میان برود. بنابراین، در این فرع، کارگزاران دولتی به دلایلی مانند خوف تسلط سازندگان واکسن که غیرمسلمان هستند بر کشور اسلامی و از میان رفتن دین و کشور یا مصالح دیگر که بر فرض بر جان مسلمانان نیز ترجیح داشته باشد، مصلحت انتخاب نوع خاصی از واکسن یا روش خاصی برای واکسیناسیون را مقدم می‌دارند و از خرید واکسن بهتر خودداری می‌کنند و برخی مسلمانان متحمل آسیب و ضرر می‌شوند. در ادامه، ابتدا مسئولیت مدنی کارگزاران و سپس مسئولیت کیفری آنان مورد اشاره خواهد بود.

۴-۱. مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی دولت در مقابل خساراتی که حکم عدم اجرای واکسیناسیون به بار آورده، مستدل به ادله‌ای چون «قاعده لاضرر» است. قاعده لاضرر چنان‌که پیش‌تر اشارت رفت، نافی حکم ضرری و مثبت ضمان در صورت ایراد ضرر به دیگری است. در تطبیق بر موضوع بحث گفته می‌شود کارمندان و کارگزاری که در اجرای برنامه

واکسیناسیون، هرچند به‌خاطر مصلحت امت یا دین، اضرار و آسیب به شخص وارد داشته‌اند، بر اساس مبانی فقهی باید از عهده خسارت برآیند و آن را جبران کنند؛ البته این جبران خسارت مانند موارد مشابه دیگر، بر عهده نهاد حاکمیت و بیت‌المال است و نه هزینه شخصی کارگزاران دولتی؛ زیرا ضرر و آسیب از سوی شخصیت حقوقی آنان به‌عنوان کارگزار صورت گرفته است. در واقع، کارگزاران دولتی در پی انجام دادن وظیفه و انتخاب گزینه بهتر در تراحم میان «واکسیناسیون بی‌نقص» یا «حفظ مصلحت هرچند با آسیب به تعدادی از شهروندان»، حفظ مصلحت جامعه اسلامی را ترجیح داده‌اند و مطابق قواعدی مانند «مَنْ لَهُ الْغَنَمُ فَعَلَيْهِ الْغَرَمُ» (مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ص. ۲۸۴) جامعه‌ای از این حکم سود برده است، به‌تبع، ضامن خسارت‌ها نیز خواهند بود؛ همچنان‌که در مصالح عمومی و اجتماعی دیگری که مورد تصریح روایات و فقها نیز قرار گرفته، جبران هزینه از سوی بیت‌المال صورت می‌پذیرد.

برای مثال، دیه جنینی که مادرش با حکم حاکم فرا خوانده شده و به‌خاطر ترس دچار سقط شده است (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۷، ص. ۱۵۹)، خطای حاکم و قاضی (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص. ۲۲۶)، خسارت تخریب خانه برای توسعه جاده (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص. ۳۰۶)، پرداخت مهریه مردی که همسرش به سمت کفار مهاجرت کرده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص. ۲۸۶)، هزینه ازدواج جوان مجرد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص. ۳۵۲) و... که نشان از اهمیت مصالح عمومی دارد.

بنابراین، مسئولیت مدنی نهاد حاکمیت که آسیب‌دیدگی شهروندان از تزریق نوع خاصی از واکسن یا روش خاصی برای واکسیناسیون مستند به او دانسته می‌شود، به‌واسطه این ادله به‌خوبی نشان داده شده است و کارگزاران دولتی که آسیب و ضرر به شهروندان را سبب شده‌اند، لازم است از طریق بیت‌المال، خسارات واردشده را جبران کنند.

از نظر حقوقی - همچنان‌که در قسمت‌های قبل توضیح داده شد - ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، پرداخت خسارت از سوی نهاد حاکمیت را با وجود دو شرط تحقق ضرورت در برنامه آسیب‌زا و تأمین منافع اجتماعی، منتفی دانسته است، اما بر اساس مبانی فقهی امامیه ازجمله قاعده لاضرر و صحیحه شحام و همچنین مبانی

مختلف دیگری مانند نظریه «قراردادهای اجتماعی» و «هم‌بستگی اجتماعی» (مهر، ۱۳۹۹، ص. ۱۴۳)، می‌توان دولت را مکلف به پرداخت خسارت دانست. بنابراین، در جنبه حقوقی مسئله نیز باید ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی را که پیش از انقلاب اسلامی تصویب شده است، منسوخ دانست (مظفری و میرزایی مقدم، ۱۳۹۹، ص. ۳۸۵) و بر اساس ادله پیش‌گفته، دولت را مسئول جبران خسارت به افراد آسیب‌دیده به شمار آورد.

۴-۲. مسئولیت کیفری دولت

در مسئولیت کیفری که از مجازات مجرم سخن گفته می‌شود، در خصوص آسیب شهروند از «تزریق واکسن آسیب‌زا در وضعیت مصلحت»، این پرسش شایان طرح است که آیا کیفر و مجازات متوجه کارگزاران دولتی که از روی مصلحت، برنامه واکسیناسیون با کیفیت نازل را اجرا کرده‌اند، می‌شود درحالی‌که عملکرد کارگزاران دولتی در ترجیح «واکسیناسیون عمومی» بر «حفظ جان تعدادی از مسلمانان» - بر فرض عدم خطا و رعایت شروط اتخاذ حکم کارشناسانه - طبق مصلحت جامعه روی داده و آسیب و ضرر به افراد محدودی از شهروندان وارد شده، اما همین برنامه واکسیناسیون جلوی آسیب بزرگ‌تر به کیان اسلامی را گرفته است.

البته در صورت «خطا و اشتباه کارگزاران دولتی»، روایاتی مانند موثقه اصبع‌بن‌نباته که در قسمت قبلی گذشت، جبران دیه آسیب‌دیدگان را از بیت‌المال طرح کرده‌اند؛ همچنان‌که در صورت «عدم رعایت کارشناسی و تحقیق» در حکم به «عدم اجرای واکسیناسیون»، تحقق جرم عمدی را در پی خواهد داشت، اما جایی که برنامه واکسیناسیون با دقت نظر و مطابق مصلحت امت اسلامی انجام شده است، از آنجاکه جان و خون این آسیب‌دیدگان محترم شمرده می‌شود، باز هم بر اساس ادله و قواعدی مانند «قاعده حرمت خون مسلمان»، پرداخت ارش و دیه اشخاص ضروری است.

«قاعده حرمت خون مسلمان» که مورد اتفاق نظر فقها و همچنین قانون‌گذار قرار گرفته است، منشأ احکام و قوانینی شده است. برای مثال، قانون مجازات اسلامی در ماده ۴۸۷ مقرر می‌دارد «اگر شخصی به قتل برسد و قاتل شناخته نشود یا بر اثر ازدحام

کشته شود، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود» یا در ماده ۴۷۴ بیان می‌دارد «در جنایت شبه‌عمد در صورتی که به دلیل مرگ یا فرار به مرتکب دسترسی نباشد، دیه از مال او گرفته می‌شود و در صورتی که مال او کفایت نکند، از بیت‌المال پرداخت می‌شود» (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص. ۱۲۶) یا در ماده ۱۵۶ آمده است «در موارد دفاع مشروع دیه نیز ساقط است جز در مورد دفاع در مقابل تهاجم دیوانه که دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص. ۴۳۳) و در ماده ۴۷۰ تأکید شده است «در صورتی که مرتکب دارای عاقله نباشد یا عاقله او به دلیل عدم تمکن مالی نتواند دیه را در مهلت مقرر بپردازد، دیه توسط مرتکب و در صورت عدم تمکن از بیت‌المال پرداخت می‌شود». این‌ها همگی مصادیقی از قاعده حرمت خون مسلمان را نشان می‌دهد، اما یکی از مهم‌ترین مستندات این قاعده، صحیح طولانی زید شحام از امام صادق (علیه‌السلام) است که در بخشی از آن آمده است:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ زَيْدِ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه‌السلام) أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلی‌الله علیه و آله) ... فَإِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ... مَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ أَمَانَةٌ فَلْيُؤَدِّهَا إِلَى مَنْ أَيْتَمَنَهُ عَلَيْهَا، فَإِنَّهُ لَا يَحِلُّ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ وَلَا مَالُهُ إِلَّا بِطَبِيعَةِ نَفْسِهِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص. ۱۰)؛ به‌راستی که خون و اموال شما محترم است... هرکس امانتی نزد اوست، به صاحبش بازگرداند. به‌راستی که خون مسلمان و مال او حلال نیست مگر به رضایت باطنی او. این روایت که به دو سند صحیح نقل شده، مورد اعتماد دو تن از مشایخ حدیث قرار گرفته است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص. ۲۷۳ و ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص. ۹۳) و همه رجال آن مورد توثیق قرار گرفته‌اند (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص. ۲۶۰؛ کشی، ۱۴۰۹ق، ص. ۵۵۶؛ طوسی، بی‌تا، ص. ۲۰۱). از لحاظ دلالت نیز جمله «دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ» و «لَا يَحِلُّ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ» به‌روشنی حرمت خون و مال مسلمان را نشان می‌دهد که حکم تکلیفی و وضعی از آن استفاده شده است (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص. ۱۶۵).

افزون‌براین، تصریح ابتدایی نبی مکرم به حکم بازپرداخت امانت مالی با عبارت «مَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ أَمَانَةٌ فَلْيُؤَدِّهَا إِلَى مَنْ أَيْتَمَنَهُ عَلَيْهَا» و سپس مستدل‌سازی این حکم به عدم حلیت جان و مال مسلمان با عبارت «فَإِنَّهُ لَا يَحِلُّ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ وَلَا مَالُهُ إِلَّا

بَطِیْبَةُ نَفْسِهِ»، تسری حکم وضعی ضمان را به جان مسلمان نشان می‌دهد. به این معنا که اگر جان مسلمان هم ستانده شود، لازم است جبران شود؛ همچنان‌که برخی فقها با تکیه بر همین روایت، از حکم وضعی ضمان و پرداخت دیه از بیت‌المال در برخی موارد سخن گفته‌اند (مرعشی نجفی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص. ۴۰۱)؛ البته از این روایت نمی‌توان حرمت خون را تنها به «مسلمانان» اختصاص داد، بلکه بیان کلمه مسلمان، ظاهراً برای اهتمام به شأن اوست و کافر ذمی نیز داخل در این حکم است (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۳، ص. ۴۶).

در جمع‌بندی می‌توان گفت طبق این صحیح، جسم و جان شهروندان ارزشمند است و شخصی که آسیب به او منتسب است، باید از پس جبران آن برآید. پس نمی‌توان خون آسیب‌دیدگان را هدر و جانشان را حلال و بدون هیچ‌گونه ضمان بیان کرد؛ هرچند برنامه کارگزاران دولتی به مصلحت جامعه اسلامی تصویر شده باشد؛ البته با توجه به اینکه برنامه واکسیناسیون آسیب‌زا طبق مصلحت جامعه رخ داده، مسئولیت کیفری کارگزاران دولتی نیز مانند مسئولیت مدنی متوجه نهاد حاکمیت است و خسارت آسیب به آن نیز باید از بیت‌المال جبران شود، اما مطابق ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی «مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد»، از آن‌رو که کارگزاران دولتی اساساً مرتکب جرمی نشده‌اند، مسئولیت کیفری نیز از آنان رفع می‌شود و مجازات منتفی خواهد بود.

۵. مسئولیت کارگزاران دولتی در مقابل مستنکف

۵-۱. مسئولیت مدنی

در مورد اشخاصی که به‌رغم رعایت شرایط واکسیناسیون مطلوب، از تزریق واکسن خودداری کرده‌اند، مسئولیت کارگزاران بر اساس قاعده اقدام منتفی است. قاعده اقدام که در مقابل قواعدی مانند قاعده احترام، قاعده لاضرر، قاعده اتلاف و تسبیب قرار می‌گیرد، به این معناست که اگر خود شخص در اقدامی که انجام می‌دهد، حرمت مال یا جان را سلب کرده باشد، دیگر نمی‌توان ضمان و مسئولیتی برای مال و جان از دست‌رفته علیه شخص دیگر تصویر کرد (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص. ۲۲۱)؛ زیرا

شخص با اقدام خود موجب از بین رفتن حرمت مال و جان خود شده است و از این رو حمایتی از جانب شارع نخواهد شد. قاعده لاضرر از باب امتنان از کسی حمایت می‌کند که خود در ورود زیان بر خویش دخالتی نداشته باشد؛ همچنان که در قضیه لاضرر سمره بن جندب با اقدام خود احترام درخت خود را از بین برد و مراتب قلع آن را هموار کرد (بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص. ۹۶). در قاعده اتلاف و تسبیب نیز عنصر اصلی «استناد» است و با توجه به اقدام شخص زیان‌دیده علیه خود، تلف به خود وی منتسب است و استناد تلف به سبب دیگر برای اینکه مستند آسیب شمرده شود، منتفی خواهد بود (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص. ۲۲۲). قاعده اقدام مورد پذیرش فقهای امامیه قرار گرفته و برخی مفاد آن را حکم بدیهی بی‌نیاز از دلایل نقلی شمرده‌اند (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص. ۲۲۲). در تطبیق این قاعده بر موضوع «مسئولیت دولت در قبال آسیب‌های ناشی از خودداری شخص از واکسیناسیون» نیز باید گفت «اقدام» شخص به خودداری از تزریق واکسن که بیماری و آسیب‌دیدگی او را در پی دارد، به‌عنوان اقدامی در مسیر پذیرش آسیب و ضرر علیه خود شمرده می‌شود. آن هم به‌طوری‌که آسیب‌های وارد بر او که به سبب اقدام شخصی‌اش روی داده است، به‌خوبی منتسب به خودش دانسته می‌شود و نمی‌توان این اضرار و آسیب را به دولت یا شخص دیگر نسبت داد. بنابراین، مصداقی از قاعده اقدام را ترتیب داده است که با انتساب ضرر به خود وی، رافع مسئولیت دولت به شمار می‌آید؛ البته در صورتی‌که فرد مستنکف از روی جهالت و پذیرش تبلیغات فریب‌کارانه شخص یا گروهی، از تزریق واکسن خودداری و آسیب و ضرر جسمی و... را تجربه کند، طبق قواعدی مانند «قاعده غرور» (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص. ۲۶۹)، می‌توان ضمن انتساب اضرار به غار، جبران خسارت را بر عهده وی مستدل ساخت.

۲-۵. مسئولیت کیفری

همچنان‌که در قسمت‌های قبلی گذشت، مسئولیت کیفری به معنای مجازات (صفایی و لورراسا ۱۳۷۶، ص. ۳۰) در مواردی که دولت در حکم خطایی یا حتی حکم عمدی، اما به مصلحت جامعه، از تزریق واکسن خودداری کند و به شهروندان آسیب برسد، محقق نخواهد بود. از این رو در جایی که نهاد حاکمیت حکم صحیحی

را صادر کرده است، اما شخص از پذیرش آن خودداری کند، به طریق اولی و بر اساس قیاس اولویت (مظفر، بی تا، ج ۲، ص. ۱۸۴)، مسئولیت کیفری علیه کارگزاران دولتی رقم نخواهد خورد؛ زیرا مطابق ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی، «مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم عاقل، بالغ و مختار باشد» حال آنکه کارکنان دولت در این زمینه از خود اختیاری ندارند.

نتیجه‌گیری

از بررسی‌های صورت گرفته در خصوص پیامدهای فقهی و حقوقی واکسیناسیون اجباری نتایج زیر به دست می‌آید.

۱. در وضعیت قصور کارگزاران دولتی، مطابق موثقه اصیغ بن نباته، جبران خسارت دیه یا ارش آسیب‌دیدگان از بیت‌المال خواهد بود.
۲. در وضعیت تقصیر کارگزاران دولتی، مطابق قاعده لاضرر و نیز قاعده تسبیب، لازم است جبران خسارات، پرداخت دیه، ارش یا حتی قصاص با تحقق شرایط آن از جانب شخص آنان صورت پذیرد.
۳. در وضعیت رعایت مصلحت امت اسلامی و آسیب دیدن برخی شهروندان، مطابق قاعده لاضرر و نیز حرمت خون مسلمان، خسارت متضرران، پرداخت ارش و دیه بر عهده بیت‌المال است.
۴. در وضعیت خودداری شهروند از تزریق واکسن، کارگزاران دولتی به دلیل قاعده اقدام شخص شهروند بر عدم تزریق واکسن، مسئولیت مدنی و کیفری نخواهند داشت.
۵. در وضعیت خودداری شهروند از تزریق واکسن، شخص شهروند یا عاقله او با توجه به شرایط مختلف سرایت، به دلیل عمومات قصاص و دیه، ملزم به پرداخت دیه، ارش یا قصاص می‌شود، اما با توجه به سیره متشرعه که ردعی از سوی امامان معصوم صورت پذیرفته است، می‌توان مسئولیت کیفری شهروندان را منتفی دانست.

کتابنامه

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه* (جلد ۴). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- Ibn Babuyah, Muhammad ibn Ali (1992). "Man La Yahduru al-Faqih". Qom: Daftar Intisharat Islami.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukarram (1993). "Lisan al-Arab". Beirut: Dar al-Fikr li al-Tiba'a wa al-Nashr wa al-Tawzi' – Dar Sadr.
- احسائی، محمد بن علی (۱۴۰۵ق). *عوالی (غوالی) الثانی العزیزیة*. قم: دار سیدالشهداء للنشر.
- Ahsa'i, Muhammad ibn Ali (1985). "Awali (Ghawali) al-La'ali al-'Aziziyah". Qom: Dar Sayyid al-Shuhada li al-Nashr.
- اردبیلی، احمد (۱۴۰۳ق). *مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان* (جلد ۱۲). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- Ardabili, Ahmad (1983). "Majma' al-Fa'ida wa al-Burhan fi Sharh Irshad al-Adhhan". Qom: Daftar Intisharat Islami.
- اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا). *زبدة البیان فی احکام القرآن*. تهران: المكتبة الجعفریة لاحیاء الآثار الجعفریة.
- Ardabili, Ahmad ibn Muhammad (n.d.). "Zubdat al-Bayan fi Ahkam al-Qur'an". Tehran: al-Maktaba al-Ja'fariyya li Ihya' al-Athar al-Ja'fariyya.
- السان، مصطفی (۱۳۹۹). «مسئولیت مدنی دولت در قبال بیماری‌های واگیر (بررسی موردی: کووید ۱۹)». *تحقیقات حقوقی*، دوره ۲۳ (ویژه نامه حقوق و کرونا)، صص. ۲۱۵-۲۴۳.
- Elsan, M. (2020). Government Civil Liability for Infectious Diseases (Case Study: COVID-19). *Legal Research Quarterly*, 23(LAW and COVID- 19), 215-243. doi: 10.22034/jlr.2020.185075.1642
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق). *کتاب المکاسب*. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- Ansari, Murtada (1994). "Kitab al-Makasib". Qom: World Congress Commemorating Sheikh Azam Ansari.
- بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹ق). *القواعد الفقهیة* (جلدهای ۱ و ۷). قم: نشر الهادی.
- Behnordi, Sayyid Hasan (1998). "Al-Qawa'id al-Fiqhiyya". Qom: Nashr al-Hadi.
- بجنوردی، سید محمد (۱۴۰۱ق). *قواعد فقهیة* (جلد ۱). تهران: مؤسسه عروج.
- Behnordi, Sayyid Muhammad (1981). "Qawa'id Fiqhiyya". Tehran: Uruj Institute.
- بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق). *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- Bahrani, Yusuf ibn Ahmad (1985). "Al-Hada'iq al-Nadira fi Ahkam al-'Itra al-Tahira". Qom: Daftar Intisharat Islami.
- تبریزی، جواد بن علی (بی تا). *اسس القضاء والشهادة*. قم: دفتر مؤلف.
- Tabrizi, Jawad ibn Ali (n.d.). "Usus al-Qada' wa al-Shahada". Qom: his office.
- جوان آراسته، حسین (۱۳۹۹). «واکاوی فقهی-حقوقی حق بر سلامت و مسئولیت دولت در

- شرایط شیوع بیماری کرونا». مجله علمی-پژوهشی فقه پزشکی، دوره ۱۲، صص. ۱-۱۶.
- Javan Arasteh, H., & Rahmani, S. (2021). Jurisprudential-Legal Analysis of "Right to Health" and "Government Responsibility" in Conditions of Corona Outbreak: jurisprudential-Legal Analysis of "Right to Health" and "Government Responsibility" in Conditions of Corona Outbreak. *Medical Figh*, 12(42), 1-16. <https://doi.org/10.22037/mfj.v12i42.33667>.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة* (جلدهای ۲۰، ۲۱، ۲۵ و ۲۹). قم: آل البیت.
- Hur 'Amili, Muhammad ibn Hasan (1988). "Tafsil Wasa'il al-Shi'a ila Tahsil Masa'il al-Shari'a". Qom: Al al-Bayt.
- حسینی شیرازی، سید صادق (۱۴۲۵ق). *التعلیقات علی شرایع الاسلام*. قم: استقلال.
- Husayni Shirazi, Sayyid Sadiq (2004). "Al-Ta'liqaat 'ala Sharayi' al-Islam". Qom: Isteghlal Publications.
- حلی، ابن ادریس محمد بن منصور (۱۴۱۰ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی* (جلد ۳). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- Hilli, Ibn Idris, Muhammad ibn Mansur (1990). "Al-Sara'ir al-Hawi li Tahrir al-Fatawi". Qom: Daftar Intisharat Islami.
- حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام* (جلد ۴). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- Hilli, Ja'far ibn Hasan (1988). "Sharayi' al-Islam fi Masa'il al-Halal wa al-Haram". Qom: Isma'iliyya Institute.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۱ق). *رجال العلامة الحلی؛ خلاصة الاقوال فی معرفة احوال الرجال*. نجف اشرف: منشورات المطبعة الحیدریة.
- Hilli, Hasan ibn Yusuf (1961). "Rijal al-'Allama al-Hilli - Khulasat al-Aqwal fi Ma'rifat Ahwal al-Rijal". Najaf al-Ashraf: Manshurat al-Matba'a al-Haydariyya.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق). *مختلف الشیعة فی احکام الشریعة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- Hilli, Hasan ibn Yusuf (1992). "Mukhtalaf al-Shi'a fi Ahkam al-Shari'a". Qom: Daftar Intisharat Islami.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق). *تذکرة الفقهاء*. قم: آل البیت.
- Hilli, Hasan ibn Yusuf (1993). "Tadhkirat al-Fuqaha". Qom: Al al-Bayt.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۹ق). *نهاية الاحکام فی معرفة الاحکام*. قم: آل البیت.
- Hilli, Hasan ibn Yusuf (1998). "Nihayat al-Ahkam fi Ma'rifat al-Ahkam". Qom: Al al-Bayt.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق). *تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامية* (جلد ۵). قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام).
- Hilli, Hasan ibn Yusuf (1999). "Tahrir al-Ahkam al-Shar'iyya 'ala Madhhab al-Imamiyya". Qom: Imam Sadiq (AS) Institute.

- خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۲۱ق). کتاب البیع (جلد ۱). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمینی (قدس سره).
- Khomeini, Sayyid Ruhollah (2000). "Kitab al-Bay'". Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- خمینی، سیدروح‌الله (بی‌تا). تحریرالوسیله (جلد ۲). قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
- Khomeini, Sayyid Ruhollah (n.d.). "Tahrir al-Wasilah". Qom: Mu'assasa-ye Matbu'at Dar al-'Ilm.
- خوانساری، سیداحمد (۱۴۰۵ق). جامع‌المدارک فی شرح مختصرالنافع (جلد ۷). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- Khansari, Sayyid Ahmad (1985). "Jami' al-Madarik fi Sharh Mukhtasar al-Nafi'". Qom: Isma'iliyya Institute.
- خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۸ق). موسوعة الامام‌الخوئی (جلد ۳). قم: مؤسسه احیاء آثار الامام‌الخوئی.
- Khoei, Sayyid Abu al-Qasim (1997). "Mawsu'at al-Imam al-Khoei". Qom: Foundation for the Revival of Imam Al-Khoei's Works.
- خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۲۲ق). مبانی تکملة المنهاج (جلد ۳). قم: مؤسسه احیاء آثار الامام‌الخوئی.
- Khoei, Sayyid Abu al-Qasim (2001). "Mabani Takmila Minhaj". Qom: Foundation for the Revival of Imam Al-Khoei's Works.
- سیدرضی، محمدبن‌حسین (۱۳۷۲). نهج‌البلاغه (عزیزالله عطاردی، مصصح). تهران: بنیاد نهج‌البلاغه.
- Sayyid Radi, Muhammad ibn Husayn (1993). "Nahj al-Balagha". Ed. Azizullah Atarudi, Tehran: Nahj al-Balagha Foundation Publications.
- شهید اول، محمدبن‌مکی (۱۴۱۰ق). اللمعة‌الدمشقیة فی فقه‌الامامیة. بیروت: دارالتراث.
- Shahid Awwal, Muhammad ibn Makki (1990). "Al-Lum'a al-Dimashqiyya fi Fiqh al-Imamiyya". Beirut: Dar al-Turath – al-Dar al-Islamiyya.
- شهید ثانی، زین‌الدین‌بن‌علی (۱۴۱۳ق). مسالک‌الافهام الی تنقیح شرایع‌الاسلام (جلد ۱۴). قم: مؤسسه المعارف‌الاسلامیة.
- Shahid Thani, Zayn al-Din ibn Ali (1992). "Masalik al-Afham ila Tanqih Sharayi' al-Islam". Qom: Mu'assasa-ye al-Ma'arif al-Islamiyya.
- شیخ‌الشریعة، فتح‌الله (۱۴۱۰ق). قاعده‌لاضرر. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- Shaykh al-Shari'a, Fath Allah (1990). "Qa'ida La Darar". Qom: Daftar Intisharat Islami.
- صفای، سیدحسین؛ و لورراسا، میشل (۱۳۷۶). مسئولیت مدنی (محمد اشتري، مترجم). تهران: حقوق‌دان.
- Safa'i, Sayyid Husayn & Lorrassa, Michel (1997). "Civil liability". Trans. Muhammad Ishtari, Tehran: Huquqdan.

طباطبایی، سید علی (۱۴۱۸ق). *ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل* (جلد ۱۶). قم: آل البيت.

Tabataba'i, Sayyid Ali (1997). "Riyad al-Masa'il fi Tahqiq al-Ahkam bi al-Dalail". Qom: Al al-Bayt.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۰ق). *المؤتلف من المختلف بین ائمة السلف* (جلد ۲). مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.

Tabarsi, Fadl ibn Hasan (1990). "Al-Mu'talif min al-Mukhtalif bayn A'imma al-Salaf". Mashhad: Majma' al-Buhuth al-Islamiyya.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق، الف). *تهذیب الاحکام*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

Tusi, Muhammad ibn Hasan (1987). "Tahdhib al-Ahkam". Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق، ب). *الخلاف*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

Tusi, Muhammad ibn Hasan (1987). "Al-Khilaf". Qom: Daftar Intisharat Islami.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۷ق). *رجال الشيخ الطوسي؛ الأبواب*. قم: دفتر انتشارات اسلامی

Tusi, Muhammad ibn Hasan (2006). "Rijal al-Shaykh al-Tusi – al-Abwab". Qom: Daftar Intisharat Islami.

طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *الفهرست*. نجف اشرف: المكتبة الرضوية.

Tusi, Muhammad ibn Hasan (n.d.). "Al-Fihrist". Najaf al-Ashraf: al-Maktaba al-Ridawiyya.

طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). *المبسوط فی فقه الامامیه* (جلد ۱۰). تهران: المكتبة المرتضوية لاحیاء الآثار الجعفرية.

Tusi, Muhammad ibn Hasan (1967). "Al-Mabsut fi Fiqh al-Imamiyya". Tehran: al-Maktaba al-Murtazawiyya li Ihya' al-Athar al-Ja'fariyya.

غریب پور، منصور (۱۳۹۹). «تبیین فقهی مسئولیت دولت در رویارویی با بیماری کرونا». *فقه پزشکی*، دوره ۱۲ شماره ۴۲، صص. ۱-۲۰.

Gharibpour, M. (2021). Jurisprudential Explanation of the Responsibility of the Government in Dealing With Coronavirus Disease (COVID-19). *Medical Fiqh*, 12(42), 1-20. <https://doi.org/10.22037/mfj.v12i42.32630>

فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۱ق). *تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة؛ قصاص*. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.

Fadil Lankarani, Muhammad (2000). "Tafsil al-Shari'a fi Sharh Tahrir al-Wasilah – Qisas". Qom: The Jurisprudential Center of A'imma Athar.

فیض کاشانی، محمد محسن (بی تا). *مفاتیح الشرایع* (جلد ۲). قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

Fayd Kashani, Muhammad Muhsin (n.d.). "Mafatih al-Shara'i". Qom: Intisharat Kitabkhana Ayatollah Mar'ashi Najafi.

قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲).

Qanun Mujazat Islami (2013).

قانون مسئولیت مدنی (۱۳۳۹).

Qanun Mas'uliyat Madani (1959).

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان قهری). تهران: دانشگاه تهران.

Katouzian, Nasser (2006). "Non-contractual obligations (compulsory guarantee)". Tehran: Tehran University.

کاشف الغطا، علی بن محمد رضا (۱۳۸۱). النور الساطع فی الفقه النافع (جلد ۱). نجف اشرف: مطبعة الآداب.

Kashif al-Ghita, Ali ibn Muhammad Rida (1962). "Al-Nur al-Sati' fi al-Fiqh al-Nafi". Najaf al-Ashraf: Matba'at al-Adab.

کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق). رجال الکشی؛ اختیار معرقه الرجال. مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.

Kashi, Muhammad ibn Umar (1988). "Rijal al-Kashi, Ikhtiyar Ma'rifat al-Rijal". Mashhad: Mashhad University Publishing House.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی (جلد ۷). تهران: دارالکتب الاسلامیه.

Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub (1987). "Al-Kafi". Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.

گلپایگانی، سید محمد رضا (۱۴۱۳ق). کتاب القضاء (مقرر: سید علی حسینی میلانی). قم: دارالقرآن الکریم.

Gulpaygani, Sayyid Muhammad Rida (1992). "Kitab al-Qada". Muqarrar: Milani, Sayyid Ali Husayni. Qom: Dar al-Qur'an al-Karim.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۰ق). بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار. بیروت: مؤسسه الطبع والنشر.

Majlisi, Muhammad Baqir (1990). "Bihar al-Anwar al-Jami'a li Durar Akhbar al-A'imma al-Athar". Beirut: Mu'assasa al-Tiba' wa al-Nashr.

محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ق). قواعد فقه (جلد ۱). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

Muhaqqiq Damad, Sayyid Mustafa (1986). "Jurisprudence rules". Tehran: Markaz Nashr 'Ulum Islami.

مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (۱۴۱۵ق). القصاص علی ضوء القرآن والسنة (جلد ۳). قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

Mar'ashi Najafi, Sayyid Shihab al-Din (1994). "Al-Qisas 'ala Daw' al-Qur'an wa al-Sunna". Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library.

مصطفوی، سید محمد کاظم (۱۴۲۱ق). مائة قاعدة فقهیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

Mustafavi, Sayyid Muhammad Kazim (2000). "Mi'at Qa'ida Fiqhiyya". Qom: Daftar Intisharat Islami.

مظاهری، حسین (۱۳۹۵/۱/۳۰). تقریرات درس خارج فقه؛ کتاب الصوم.

Mazaheri, Husayn (2016). "Taqrirat Dars Kharej Fiqh, Kitab al-Sawm", 18 April 2016.

- مظفر، محمدرضا (بی تا). *اصول الفقه* (جلد ۲). قم: اسماعیلیان.
- Muzaffar, Muhammad Rida (n.d.). "Usul al-Fiqh". Qom: Isma'iliyya.
- مظفری، مصطفی؛ و میرزایی مقدم، مرتضی (۱۳۹۹). «بررسی حقوقی نحوه عملکرد و مسئولیت دولت در جبران خسارات ناشی از بحران کووید ۱۹». *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ۲۳، صص. ۳۸۵-۴۱۱.
- Mozafari, M. and mirzaei moghadam, M. (2020). Review of the Legal Basis of the Government-Selected Process in Management of Covid 19. *Legal Research Quarterly*, 23(LAW and COVID- 19), 385-411. doi: 10.22034/jlr.2020.184981.1618
- معینی، محمد هادی؛ و گلزار، زهرا (۱۳۹۹). «مسئولیت هزینه‌های درمان بیماران مبتلا به کرونا در فرض تقصیر کادر درمان». *نشریه علمی-پژوهشی فقه پزشکی*، ۱۲(۴۲)، صص. ۱-۱۳.
- moeini, mohammad hadi, & golzar, zahra. (2021). Liability for treatment costs of patients who suffer from COVID-19 assuming the medical staff's fault. *Medical Figh*, 12(42), 1-13. <https://doi.org/10.22037/mfj.v12i42.33661>
- موسوی، سید موسی؛ و حبیبی تبار، جواد (۱۳۹۹). «مناسبات دولت اسلامی و خانواده در کنترل بیماری کرونا». *مجله علمی-پژوهشی فقه پزشکی*، دوره ۱۲، شماره ۴۲، صص. ۱-۱۴.
- Musavi, S. M., & Habibi tabar, J. (2021). Relationship between the Islamic government and the Family in Corona Disease Control. *Medical Figh*, 12(42), 1-14. <https://doi.org/10.22037/mfj.v12i42.33850>.
- مهر، نسرين (۱۳۹۹). «مسئولیت دولت در جبران خسارت قربانیان کرونا». *تحقیقات حقوقی*، ۲۳، صص. ۱۶۱-۱۴۳.
- nasrin, M. (2020). State's responsibility to compensate the victims of Corona Virus. *Legal Research Quarterly*, 23(LAW and COVID- 19), 143-161. doi: 10.22034/jlr.2020.185074.1640
- نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ق). *رجال النجاشی؛ فهرست اسماء مصنفی الشیعه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- Najashi, Ahmad ibn Ali (1987). "Rijal al-Najashi - Fihrist Asma' Musannifi al-Shi'a". Qom: Daftar Intisharat Islami.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام* (جلدهای ۳۷، ۴۱ و ۴۳). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- Najafi, Muhammad Hasan (1984). "Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharayi' al-Islam". Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi.
- نراقی، مولا احمد (۱۴۱۷ق). *عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام و مهمات مسائل الحلال والحرام*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- Naraqi, Mulla Ahmad (1996). "'Awa'id al-Ayyam fi Bayan Qawa'id al-Ahkam wa Muhimmat Masa'il al-Halal wa al-Haram". Qom: Intisharat Daftar Tablighat Islami Hawza 'Ilmiya Qom.

هاشمی شاهرودی، محمود (۱۴۲۳ق). موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البیت (علیهم السلام) (جلد ۳). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام).

Hashemi Shahroudi, Mahmoud (2002). "Mawsu'at al-Fiqh al-Islami Tabaqan li Madhhab Ahl al-Bayt (AS)". Qom: Islamic jurisprudence encyclopedia institute on the religion of Ahl al-Bayt, peace be upon them (AS).

هوشمند، حسین (۱۳۹۹). «تأثیر علم و قصد بر مسئولیت مدنی ناقل بیماری‌های واگیردار». فقه پزشکی، ۱۲(۴۲)، صص. ۱۸-۱.

hooshmand, hosein. (2021). The effect of science and intention on civil liability of infectious diseases' carrier. *Medical Fiqh*, 12(42), 1-18. <https://doi.org/10.22037/mfj.v12i42.33421>.